

مردمان بخشد اندر هر زمان راز دانش را به هر گونه زبان
گرد کردند و گرامی داشتند تا به سنگ اندر همی بنگاشتند
رودکی

گزیده اندرزهای باستانی ایرانیان

اندرزهای داریوش بزرگ

به کوشش:

سید علی اصغر شریعت زاده



پازینه

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

پازینه یادآور پاکیهاست



موسسه فرهنگی انتشاراتی پازینه

میدان انقلاب، اول خیابان کرگر جنوبی، بن پست گشتاسب، شماره ۶۶ طبقه همکف

تلفکس: ۶۶۹۶۱۵۲۲ و ۶۶۹۷۵۲۴۶-۷

دفتر مرکزی: تهران، بزرگراه کردستان، خ. ۲۸ غربی شماره ۶۶ طبقه اول

تلفکس: ۶۶۴۶۰۰۰۰ ۸۸۰۰۰ تلفن همراه: ۰۹۸-۱۰۵۴۰۹۸-۹۱۲۰

www.pazinehpress.com

چاپ اول: ۱۳۸۸

تمامی حقوق این اثر برای نشر محفوظ است

نام کتاب: اندرزهای داریوش بزرگ
به کوشش: سید علی اصغر شریعت زاده

طراحی و کتاب آرایی: مهندس امیر بهنام

لیتوگرافی: نقش آفرین

چاپ: پدیده رنگ

شمارگان: ۵۰۰۰

قیمت: ۲۵۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۲۲-۸۲-۹

سرشناسه: شریعت زاده، علی اصغر، ۱۳۷۶ - کرد آورنده

عنوان و نام پدید آورنده: اندرزهای داریوش بزرگ /

به کوشش: سید علی اصغر شریعت زاده

مشخصات نشر: تهران: پازینه، ۱۳۸۷

مشخصات ظاهری: ۲۲ ص. مصور: ۱۶/۵۰۱۱ س.م

شابک: ۲۵۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۲۲-۸۲-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیا

پاداشته: بالای عنوان: گزیده اندرزهای باستانی

پاداشته: کتابنامه: ص. ۲۲

عنوان دیگر: گزیده اندرزهای باستانی

موضوع: داریوش هخامنشی اول، شاه ایران - ۵۵۰-۴۸۵ ق.م

رده بندی کنگره: ۱۳۸۸ ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۲۲-۸۲-۹

رده بندی دهوی: ۱۶ ۹۵۵۰۱

شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۳۰۵۸۶

به نام بزرگان پاک

هرچه پدید زبایسته به خواست اهورامزدا انجام پذیرفته است. (داریوش بزرگ)

نگاره‌های قسمت بالا و پایین صفحات:



«تتش گل نیلوفر آبی پیش از هخامنشیان سابقه دیرینه دارد. به طوری که می‌توان آن را در حاشیه پیاله طلایی المشر و روی سفال تشیخارسیلک و روی دسته خنجر لرستان دید. این نقش در پایین ستونهای تخت جمشید و همچنین در دست شاهان دیده می‌شود که نمادی از صلح و زندگی است. در دست بزرگان ملل هم خنجره گل نیلوفر است که برای شایباش به حضور مهملتان در دست گرفتند.»

آنچه که در پایین صفحات مورد استفاده قرار گرفته نقش گل نیلوفر و دو خنجره‌ای است که داریوش بزرگ در دست راست دارد (پلکان شمال شرقی آپادانا). به هر تقدیر در زمان هخامنشیان گل نیلوفر زینت تمدن این دوره شد که در تمام کارهای هنری این دوره شاه می‌توان این گل را دید.

گل لوتوس یا دوازده پره (هسته شلخته سی و دو)، نشان خورشید (مظهر عظمت و عظوقت) می‌باشد که به صورت تزیینی در هنر و معماری ایران زمین بسیار دیده می‌شود. به ویژه در سنگ نبشته‌های تخت جمشید که به کرات در حاشیه آنها از گل «لوتوس» استفاده شده است. فضا در بین اندرزه‌های داریوش بزرگ از طرح‌ها و نقش و نگارهای تاریخی بهره گرفته شده که به منابع و مأخذ آنها مختصراً اشاره شده است.



فهرست مطالب

۴	 پیشگفتار
۸	 زندگینامه داریوش بزرگ
۱۶	 اندرزه‌های داریوش بزرگ
۶۵	 دین داریوش بزرگ
۶۶	 آرامگاه داریوش بزرگ
۷۰	 آخرین گفتار داریوش بزرگ
۷۲	 منابع و مأخذ



پیشگفتار

آنکه امور امرا را می‌رستند چه زنده چه مرده
نیرکت از آن او خواهد بود.

تاریخ حکومت هخامنشیان یکی از معتدترین و پرافتخارترین پادشاهی/شاهنشاهی در جهان کهن به حساب می‌آید که آثار تاریخی ارزشمند آن را می‌توان در کتیبه‌های بابستانی، الواح گلی در تخت جمشید و گزارش‌های نویسندگان یونانی و رومی دید. گزارشات و مکتوبات ایرانی‌ها هم متأثر از دیگماها و به‌طور کلی بر اساس منافع آنان تنظیم و ارائه شده است. لازم به یادآوری است که یونانی‌های آسیای صغیره از ابتدا تحت سیطره ایران بودند. به نحوی که ایرانیان تا قلب آتن نفوذ کرده بودند؛ بدیهی است که آنان نسبت به ایرانیان صورت خوشی نداشته و همواره از اعتبار و منافع خود دفاع می‌کردند. با وجود این، در گزارش‌ها و به‌طور کلی نوشته‌های مورخین یونانی چون «هرودوت» و «گزنوفون» موارد و نکاتی وجود دارد که محققین می‌توانند به بخش‌هایی از آن تکیه کنند. هرودوت در نیمه نخست سده پنجم پ.م. در آسیای صغیره در قسمتی از ولایات شاهنشاهی ایران زمین زندگی می‌کرد. با توجه به روحیه جستجوگری که داشته به نقاط مختلف سفر کرد و به یادداشت دیدها و شنیده‌های خود پرداخت. «گزنوفون» در خدمت کوروش صاحب احترام و سره‌ای بود، پس از بازگشت به یونان، کتب مختلفی نوشت که به تاریخ این دوره برمی‌گردد.

مهم‌ترین و بزرگترین کتیبه دوره هخامنشی، کتیبه داریوش بزرگ در بیستون است که به‌طور یقین می‌تواند به‌عنوان یک سند تاریخی ارزشمند، مبنای پژوهش، دانش‌پژوهان و علاقه‌مندان فرهنگی قرار گیرد. بر این اساس در این مقوله کوتاه سعی می‌شود بخشی از این کتیبه به‌عنوان سند قدیمی و قابل ارجاع استفاده شود.

شایان توجه است کتیبه بیستون در سی کیلومتری شرق کرمانشاه و در یک مسیر پررفت و آمد قرار دارد. این کتیبه دارای ۲۰ متر درازا و ۸ متر بلندی و ده‌متر ارتفاع از سطح جاده می‌باشد (حدود ۵۲۰ ق.م) که بر سه سینه کوه بیستون و در





از چشمه بیستون، به سه زبان فارسی باستان، بابلی (اکدی) و عیلامی کنده شده است. نخستین بار این کتیبه توسط هنری شرویک راولینسون (۱۲۱۴ ه.ش - ۱۸۳۵ م.) رمزگشایی گردید. ذکر این نکته ضرورت دارد که کتیبه بیستون، آشکوه‌ترین و بزرگ‌ترین سنگ نبشته جهان، در واقع زرین‌ترین برگ تاریخ کهن ایران و جهان است. در این کتیبه، علاوه بر کارنامه داریوش، به پیام‌های اخلاقی، اجتماعی و حتی سیاسی وی نیز پرداخته شده است که موضوع اساسی کتابچه حاضر است. داریوش در ابتدای سنگ نبشته‌های تاریخی‌اش، به مشروعیت بخشیدن پادشاهی و نسب‌نامه‌اش می‌پردازد. آن‌گاه نام و یاد اهورامزدا، زینبختش سنگ نبشته‌هایش می‌شود: زیرا داریوش در تعظیم و تکریم اهورامزدا به عنوان یک قدرت آسمانی در کلیه کتیبه‌ها، اهورامزدا را می‌ستاید و آن‌گاه نسب‌نامه خود را بازگو می‌کند.

من (هستم) داریوش، شاه بزرگ شاه شاهان، شاه در پارس، شاه کشورهای پسر وشتاسب، نوه آرشام، هخامنشی [بند ۱ کتیبه بیستون]

داریوش شاه گوید: پدر من وشتاسبه پدر وشتاسب آرشام، پدر آرشام آریارمن، پدر آریارمن چیش‌ش، پدر چیش‌ش هخامنش (بود). [بند ۱ کتیبه بیستون]

خدای بزرگ (است) اهورامزدا، که این شکوهی را که دیده می‌شود آفریده، شادی مردم را آفریده که خرد و فعالیت را بر داریوش شاه فرو فرستاد. [بند ۱ کتیبه داریوش بزرگ در نقش رستم]

خدای بزرگ (است) اهورامزدا که این زمین را آفریده، که آن آسمان را آفریده، که مردم را آفریده که برای مردم شادی آفریده، که داریوش را شاه کرد، یکی شاه از بسیاری، یکی فرماندار از بسیاری. [بند ۱ کتیبه داریوش بزرگ در شوش]

اعتقاد داریوش به اهورامزدا، نشانه زرتشتی بودن وی نیست و از روزگاران دور، شاهان و مردم یکتاپرست و به اهورامزدا به عنوان یک نیروی قدرتمند آسمانی اعتقاد داشتند. تاکید و تکرار وی و نیز تبعیت محض از اهورامزدا در تمامی امور حکایت دارد. گذشته بر این، داریوش به ترویج آئین اهورامزدا پرداخته است تا اطاعت همگان را از اهورامزدا ترغیب کند.





نکته بسیار مهم دیگر این که در سنگ نبشته‌های داریوش، حساسیت بسیار بالای وی به دروغ است و از همه مصرات می‌خواهد که از دروغ و کثری دوری کنند و به راستی و درستی تمسک جویند. حتی به پادشاهانی که بعداً خواهند آمد، در این زمینه توصیه جدی و اساسی می‌کند:

«تو که از این پس شاه خواهی بود خود را قویاً از دروغ بپا. اگر چنان فکر کنی کشور من در امان باشد، مردی که دروغ‌زن باشد او را سخت کیفر ده.»

به هر حال آنچه را که داریوش بزرگ را سخت آزار می‌دهد و بسیار بیناک است و آن را بلای عظیم جامد برمی‌شمرد و به کرات در سنگ نبشته‌هایش از آن یاد می‌کند و آن را باعث هر گونه فتنه و درگیری می‌داند، دروغ است. دروغ، دروغ، به هر حال رفتار اجتماعی و فرهنگی و به‌طور کلی منش و بینش داریوش بزرگ به راستی، درستی، عدالت و اعتقادات آسمانی‌اش مبتنی است و راستی و درستی را می‌ستاید و از دروغ و کثری و نامردی بیزار است.

داریوش در کتیبه بیستون، پادشاه را که دروغ گفتند به سزای اعمال خویش کیفر می‌دهد، به تشریفی که در کتیبه

بیستون آمده است:

- یکی (گنومات) نام مغ بود. او چنین دروغ گفت...
- یکی (آشرین) نام خوزی، او چنین دروغ گفت...
- یکی (نکریت) نام بابلی، او چنین دروغ گفت...
- یکی (مربی) نام پارسی، او چنین دروغ گفت...
- یکی (فرزوریش) نام مادی، او چنین دروغ گفت...
- یکی (چی شر قغم) نام (اسکرتی)، او چنین دروغ گفت...
- یکی (فران) نام مروزی، او چنین دروغ گفت...
- یکی (وَه پزدات) نام پارسی، او چنین دروغ گفت...
- یکی (آرخ) نام ارمنی، او چنین دروغ گفت...





در پایان داریوش در برابر دروغگویان و خیانتکاران خشونت به خرج می دهد و به فجیع ترین وضع ممکن آنان را بکند. می دهد تا شاید موجب عبرت دیگران و یا پادشاه خائنین باشد:

«آن که زبان رسانید او را سخت کیفر دادم.»

«پس ضرورتی از آنجا گریخته پس من سپاهیانی را به تعقیب (اش) فرستادم؛ با او دستگیر شد. از آنجا به سوی من بدایت شد. من بینی، زبان و گوش هایش را بریدم؛ من یک چشمش را کندم. او را در دروازه بستم نگاه داشتم. همه مردم او را دیدند و سپس در همان او را میخ در مقعرش کردم؛ نیز هم چنین مردان هم پیوند را که برترین پیروانش بودند؛ من در میدان، در بیرون در، سر از او کندم و همه را حلق آوریز کردم.»

داریوش در برخی کتیبه هایش توصیه می کند که مردم این سنگ نبشته ها را از بین نبرند زیرا یک سند زنده تاریخی در ماسی ایام است که تحت هیچ شرایطی به دروغ و دروغگوها بها ندهند. و پایه های حکومت و به طور کلی رفتار و گفتار با مردم را بر اساس راستی و درستی بنیان نهند تا رضای اهورامزدا را جلب نمایند.

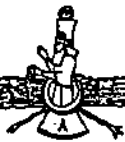
«اگر این نبشته یا این پیکرها را ببینی (و) تپاهشان نسازی، و تاهنگامی که تو را توانایی است نگاهشان داری، اهورامزدا تو را دوست باد و دودمان تو بسیار و زندگی تو دراز باد و آنچه کنی آن را به تو اهورامزدا خوب کند.»

سوی ارزش فوق این دستور داریوش بزرگ را باید نخستین اصول حفظ میراث فرهنگی ایران زمین و تاریخ بشر بشمار آورد.

در این مجموعه کوشش شده است بخش های از اندر زهای داریوش بزرگ آورده شود تا شاید توشه زندگی ما برای یک زندگی درست و پایدار به حساب آید.

سید علی اصغر شریعتزاده
موسسه فرهنگی و انتشاراتی پازینه





من (هستم) داریوش شاه شاهان

این کشور را اهورامزدا از دش
از خشکسالی، از دروغ محفوظ دا

من (هستم) داریوش شاه شاهان، شاه در پارس، شاه کشورها، پسر ویشتاسبه نوه آرشام هخامنشی.

داریوش شاه گوید: پدر من ویشتاسبه پدر ویشتاسبه آرشام، پدر آرشام، پدر آریارمن، پدر آریارمن چیش پش، پ
چیش پش هخامنش (بود).

داریوش شاه گوید: بدان جهت ما هخامنشی خوانده می شویم (که) از دیرگاهان اصیل هستیم، از دیرگاهان تخمه ما شاه
بودند.

داریوش شاه گوید: ۸ (تن) از تخمه من شاه بودم. من نهمین (هستم). ما نه (تن) پشت اندر پشت شاه هستیم.

داریوش شاه گوید: به خواست اهورامزدا من شاه هستم، اهورامزدا شاهی را به من عطا فرمود.

بنابر این داریوش اول مشهور به کبیر، عموزاده کورش بزرگ و در واقع یکی از خاندانهای سلسله هخامنشی بود
در سال ۵۲۱ ق.م. به سلطنت رسید. داریوش بزرگ از ممنود پادشاهانی بود که در بنو حکومتش با درگیریها و مشکلات
فراوانی رویرو بود. زیرا کمبوجیه با تصرف ممفیس پایتخت مصر به مدت ۴ سال غیبت طولانی کرد. سپس ماجرا
بردیای دروغین پیش آمد و سایر قضایا که بعداً به آن اشارت خواهد شد.

قابل توجه این که کمبوجیه برادر ی به نام بردیا (به یونانی سردهس) داشت که بنا به انتخاب کورش و والی پار
(خراسان)، گرگان، باختر و خوارزم بود. کمبوجیه از ترس این که در غیبت وی، بردیا کودتا نکند، قبل از عزیمت به مصر
وی را مخفیانه به قتل می رساند. وقتی کمبوجیه در سال ۵۲۵ ق.م. مصر را تسخیر می کند و آماده حمله به «نوییا» می شود
از ایران به وی خبر می رسد که بردیا زنده است و بر علیه کمبوجیه شورش کرده است.

